

## نقش مدیریت انرژی در همگرایی منطقه ای بر اساس

چشم انداز ۱۴۰۴

امیدواریم در این جلسه با استفاده از نقطه نظرات صاحب نظران و کارشناسان محترم بتوانیم این ضرورت را ادراک نماییم که آیا انرژی نهفته در کشورهای عضو منطقه ویژگی همگرایی اقتصادی و امنیتی دارد؟ آیا بحران های حاکم بر این کشورها می تواند براستخراج وتولید انرژی تاثیر بگذارد؟ و اگر تصمیم گرفته بشود که انرژی چنین نقشی را ایفا بکند آیا بحران هایی بر سر راه مدیریت انرژی در سطح منطقه ایجاد خواهد شد یا خیر؟ جنس این بحران ها چیست؟ و ما چگونه می توانیم مدیریتش بکنیم؟ اولین سؤال را از جناب آقای قربانی خواهیم داشت که مزیت منطقه ای منابع انرژی در آسیای جنوب غربی چیست؟

### جناب آقای قربانی کارشناس ارشد امنیت منطقه ای:

در خصوص آسیای جنوب غربی همان طور که دکتر عساریان نژاد اشاره داشتند از لحاظ جغرافیایی و اسامی شان عبور می کنیم و آن مشخصه های منطقه را عنوان می کنیم: منطقه ژئوپولیتیکی آسیای جنوب غربی در قسمتی از جغرافیا قرار دارد که شامل نقطه تقاطع یا برخورد چند تمدن است، مثلا قاره آسیا، قاره اروپا یا در سمت شرق آسیا که منظور بیشتر کشور چین و هندوستان است و از قسمت شمال به روسیه و اروپای غربی یا اتحادیه اروپا متصل است. آسیای جنوب غربی با توجه به این که سابقه تاریخی دارد از لحاظ فرهنگ و تمدن و هم چنین سابقه یک شرایط خاصی را برای منطقه فراهم کرده که به عنوان یکی از نقاط مثبت است، پتانسیل منطقه آسیای جنوب غربی مشخصه اش عنوان می شود. منابعی که از این منطقه قرار دارد منابع انرژی است، یکی منابع عظیم گاز است که همان طور که می دانیم سه کشور اصلی دارنده منابع گاز در این منطقه واقع شده اند. که شامل روسیه، کشور خودمان ایران و شیخ نشین قطر است. دیگر کشورها به نسبت کم و زیاد گاز دارند مثلا افغانستان به همین صورت ترکمنستان و آذربایجان هرکدام منابع ذخیره دارند. از لحاظ نفتی هم باز می بینیم بزرگترین کشورهایی که در بیست سال آینده باز صادر کننده خواهند بود

از آن ۵ تا کشور تقریباً همه اش داخل همین منطقه واقع شده اند: عربستان، عراق، ایران، قطر و امارات متحده عربی. از دیگر مشخصه های این منطقه وجود آب راه ها است. داخل این منطقه که شامل خلیج فارس است که به دریای عمان و اقیانوس هند راه دارد از راه های آبی و خشکی هم به سمت اتحادیه اروپا کوتاهترین مسافت را دارد و از سمت دریای سیاه مدیترانه و به اروپا. از لحاظ دریایی و هم چنین از خشکی هم که مسافت کمتر است یعنی از لحاظ ترانزیت مواد انرژی کوتاه ترین مسافت است از محل تولید تا مصرف عمده جهانی که همان اتحادیه اروپا و در قسمت شرق چین و کشورهای جنوب شرقی آسیا و هم چنین کشور ژاپن. همان طور که گفتیم دوکشور عمده که در این منطقه دارای ذخایر هستند بیشترین منابع ذخایر دنیا را دارند، همان دریای خزر است و منطقه خلیج فارس نیز در این منطقه واقع شده است. در خصوص ترانزیت هم عنوان کردیم کمترین مسافت و بهترین راه آبی در این منطقه واقع شده و دارای پتانسیل بسیار زیادی خصوصاً برای کشور جمهوری اسلامی ایران که در مرکز این منطقه جغرافیایی قرار دارد وجود دارد. باز سه تا از تمدن های بزرگ دنیا را که از قدیم اند در این منطقه واقع شده اند. تمدن ایرانی، تمدن مصری و تمدن عثمانی یا قسطنطنیه شرقی و جنوبی. که این خودش یک پتانسیل ایجاد می کند از لحاظ سابقه تاریخی، از لحاظ مدیریت اقتصادی و...

مزیت هایی که این منطقه دارد یکی عمق کم به حساب بهره برداری نفتی اش است، یک مزیت دیگر مسافت کم است که عنوان کردم. مزیت بعدی که نسبت به بقیه مناطق در آن منطقه وجود دارد از لحاظ اقتصادی و مزیت صنعتی اش است و عمر زیاد منابع انرژی این منطقه و مزیت اقتصادی وجود خطوط لوله های نفت بسیار در این منطقه است. به عنوان نمونه خط لوله باکو گوروز، خط لوله باکو رو پاست و خط لوله ایران ترکمنستان همچنین خط باکو جیحان که از لحاظ ترانزیتی منابع مهمی برای انتقال گاز ما از دریای خزر است

آقای دکتر عساریان نژاد: طبق آنچه که ذکر شد مزیت های منطقه ای منابع انرژی در آسیای جنوب غربی چیست؟ آنچه که ایشان فرمودند کامل هست؟ یا اگر شما می خواهید کاملش کنید چه می فرمایید؟

جناب آقای خوشدل، پژوهشگر ارشد راهبردی: مزیت های منطقه ای که مطرح کرده بودند یک قسمت هایش تقریباً همین است که بیان می کنند، یعنی از نظر

این که بیشترین ذخایر انرژی نفت و گاز تقریباً در همین منطقه واقع شده و در واقع می شود گفت که بیش از ۶۰٪ انرژی نفتی و بیش از ۹۰٪ انرژی گازی جهان در این منطقه است. اما این که خود این قضیه در واقع این زمینه را هم فراهم می کند که از جهت انتقال انرژی در واقع مزیتی است، در آنجا برعکس است، یعنی به علت این که نوع حکومت هایی که در آنجا قرار دارد حکومت هایی هستند که هیچ کدام ثبات لازم را خودشان ندارند یک موقع است که در واقع در حال سرمایه گذاری رویش است و در واقع تحت نفوذ دارد قرار می دهد، این خودش می تواند چالش عظیمی را ایجاد بکند برای آینده منطقه، یعنی شما در نظر بگیرید این منطقه را اگر قرار باشد در آینده نه چندان دور جنگ قدرت دو ابر قدرت در آنجا بخواهد واقع بشود و کشمکش هایی را به دنبال خودش ایجاد بکند، خصوصاً با توجه به این که الان اروپا با موضع گیری هایی که دارد انجام می دهد به گونه ای هست که در واقع آمریکا را به عنوان قدرت و سلطه مطلق نمی پذیرد و نپذیرفته است و بر همین اساس هم در خیلی از جاها می بینیم خط مشی جدا گانه را در پیش گرفته بحث سلاح های موشکی که یک نمونه ساده اش هست. بر همین اساس در واقع باید مطرح کرد که گرچه این مزیت ها وجود دارد ولی از جهت پتانسیل خود جامعه و پتانسیل سیاسی در واقع مشکل عمده ای را در آینده با آن روبرو خواهند شد.

**دکتر عساریان نژاد:** چند نکته اشاره شد یکی این که بیش از ۶۷ تا ۷۰٪ انرژی فسیلی و هیدروکربنیک دنیا در منطقه آسیای جنوب غربی است ولی در کنار آن توجه بکنید که کشورهای قدرتمند غالب بر ۴۰۰ میلیارد دلار فروش تسلیحات در طی ده سال گذشته داشتند در این منطقه. در کنارش اگر نفت ۷۰ دلاری به طور متوسط دارد از این منطقه خارج می شود و چیزی نزدیک به بیست و چند میلیون بشکه در روز از این منطقه نفت خارج می شود هزینه بسیار گزافی را در اقتصاد جهانی بار می کند و این منطقه را جزو مناطق ویژه قرار می دهد که کشورهای دنیا به منابع انرژی آن دسترسی پیدا کنند می توانند آینده خودشان را با آن رقم بزنند، ولی نکته اساسی که اشاره شد چون در اینجا بحث مزیت منطقه ای که داریم می گوئیم، دسترسی به آبراه های بزرگ جهانی که هزینه های انتقال را کاهش می دهد و در کنارش هنوز در دنیا هیچ چیزی جای سوخت هیدروکربنیک را نتوانسته بگیرد و هزینه کم آن امکان بهره برداری از آن را فراهم کرده. عمده کشورهای منطقه به بخشی از این سوخت هیدروکربنیک یا گاز یا نفت دسترسی دارند و یا روی سفره

گسترده ای از این در حال حاضر نشسته اند که امکان دسترسی به آن در تکنولوژی فعلی شاید امکان پذیر نباشد ولی یقیناً در ۵ سال ۱۰ سال آینده ارزش بهره برداری از این سفره ها برای کشورهای قدرتمند یا کشورهایی که امکان دسترسی به این سفره ها را به صورت منابع ملی دارند فراهم بکند. این را عرض کردم که ما این را مزیت منطقه ای منابع انرژی در آسیای جنوب غربی می بینیم در حوزه هیدروکربنیک. جناب آقای احمدی نژاد بفرمایند که مزیت ها گفته شد حالا ضعفها و ناکارآمدی های منابع انرژی در منطقه آسیای جنوب غربی کدام است؟

### مهندس احمدی نژاد، کارشناس امور دفاعی:

در خصوص بحث این نکته که بیشتر تمدن های قدیم جهان در این منطقه حاصل بوده و ادیان بزرگ در واقع می شود گفت ریشه اش در این منطقه است، اتفاقاً می خواهم بگویم این ظاهر قضیه است ولی در عمل واقعیتش این نیست؛ واقعیت این است که وقتی شما مسیحیت را در نظر بگیرید آن بخش از مسیحیتی که در این منطقه بوده عملاً از بین رفته ما مسیحیتی که داریم مسیحیتی است که در ایتالیا و در واتیکان واقع شده است. یهودیت هم قاعدتاً و اصلاً در این منطقه حضور نداشته چون سابقه اش را شما در منطقه خاورمیانه جستجو می کنید و نهایتاً در انگلیس و آمریکا. در مورد خود اسلام هم آن اسلامی که ما به دنبالش هستیم باز در جنوب غرب آسیا حضور نداشته و لذا می شود اسلام را هم ما در خارج از اینجا در نظر بگیریم والا در این بحثی که تقریباً پایه تمدن های فرهنگی دنیا در این منطقه واقع شده یک مقداری از باب تسامح و تساهل است

منطقه خزر دارای ۲۳۵ میلیون بشکه نفت و ۲۳۸ کیلو متر مکعب گاز هست. در راستای اهداف چشم انداز جمهوری اسلامی ایران هم منطقه حوزه خزر می تواند هدفی باشد که ایران را به آن هدف چشم انداز نزدیک می کند. منافعی که ایران می تواند در خزر داشته باشد عبارت است از توانایی نقل و انتقال ترانزیت کالا و پتانسیل عظیم توریستی و گردشگری، صیادی و شیلات. ایران با ۲۵٪ مصرف نفت جهان دارای ۵۲٪ ذخیره است، اروپا با ۲٪ ذخیره ۲۱٪ نفت جهان را مصرف می کند، ژاپن بدون این که ذخیره داشته باشد ۷٪ مصرف انرژی را دارد و کشورهای اوپک هم ۸۹۰ میلیون بشکه نفت در اختیار دارند که ۷۴٪ نفت جهان است. در سال ۲۰۱۶ استخراج انرژی به اوج خودش خواهد رسید و بهترین جایگزین برای نفت در آینده گاز خواهد بود که الان تمام

گرایش ها به سمت گاز است. قطعاً با بهره برداری از میدان پارس ۵ جنوبی که از ۵ سال پیش شروع شده و قریب ۷۰ میلیارد ریال در این زمینه سرمایه گذاری که البته ایران در این زمینه مقداری زمان را به لحاظ مدیریت زمان را از دست داده است. آمریکا برای این که بتواند ابرقدرتی اش را حفظ بکند با عناوین مختلفی مثل حقوق بشر و خاورمیانه جدید تروریسم، وارد منطقه خلیج فارس شده و می خواهد کنترل انرژی را در آینده در دستش بگیرد اما درباره بحرانی که وجود دارد به چند مورد اشاره می کنم یکی در قراردادهای: دو نوع قرارداد داریم یکی قرار داد بالادستی و یکی پایین دستی. در قراردادهای بالادستی بیشتر در رابطه با خطوط بهره برداری و تزریق گاز کار می کند و در قراردادهای پایین دستی پتروشیمی و پالایشگاه را داریم. کشورهای صنعتی آمده اند در بخش قراردادهای بالادستی وارد مذاکره شدند و قرارداد منعقد کرده اند که بتوانند هر لحظه، هر بحران را بخواهند ایجاد بکنند در رابطه با نفت وارد کار بشوند ولی در رابطه با قراردادهای پایین دستی آن ها به صورت در اختیار قرار دادن وام به کشورهای مختلف این پروژه را اداره می کنند. کشورهای توسعه یافته مشکلی که دارند این است که درآمدهایی که از این راه انرژی بدست می آورند بیشتر در راه توسعه اجتماعی خودشان به کار می برند و کمتر در قسمت های نفت گاز و تجهیزات و پالایشگاه سرمایه گذاری می کنند با توجه به این که ایران می تواند رابطه بین دریای خزر و خلیج فارس باشد فرصت هایی داشته و آن را از دست داده و نتوانسته نقش اصلی و جایگاه خودش را حفظ بکند. مساله ای که باز وجود دارد در رابطه با انرژی، عدم هماهنگی بین کشورهای عضو اوپک است حتی این اختلاف به جایی رسیده که کشورهای صنعتی توانسته اند قیمت نفت را با توجه به هرم قدرتی که وجود دارد در دست بگیرند. ضعف تکنولوژی و وابستگی در سطح کشورهای دارای انرژی یا در حال توسعه بالاست که به نیروی کار و تجهیزات بیشتری نیاز دارد، این کشور ها نیامدند سرمایه گذاری در مساله تکنولوژی و تجهیزات بکنند که بتوانند حداقل با تکنولوژی جدید کمترین هزینه را در استخراج انرژی داشته باشند. دو دیدگاه هم در اوپک وجود دارد که یکی دیدگاه عربستان است که بیشتر در جهت افزایش استخراجات است و تولید زیاد و فروش و با این وضعیت خود به خود قیمت کاهش پیدا می کند و دیدگاه بعدی که در راس آن ایران وجود دارد در تنظیم بازار و تنظیم عرضه انرژی به بازار است که سعی بر این دارد که بتواند قیمت را بالا ببرد با تنظیم بازار. عدم وجود بنگاه های اقتصادی در منطقه و مشارکت بخش

خصوصی در استخراج گاز خود مساله دیگری است. گوگرد به علت عدم توانایی مصرفش از بین می رود ولی چین و هندوستان آمدند با تکنولوژی که دارند این را جمع آوری می کنند و با بسته بندی هایی که خودشان دارند این را به فروش می رسانند یا گازی که در پالایشگاه سوزانده می شود و در ساعت ۳۰ تن گاز است که باز هم باعث آلودگی هوا می شود و هم چیزی که از دست می رود. قدرت های جدیدی که وارد منطقه شدند مانند چین و هند که سعی کردند حرکت ایران و روس را مقداری ضعیف بکنند و با کشورهای تازه استقلال یافته وارد معامله بشوند و بتوانند از انرژی اینها استفاده بکنند. اگر چه این کشورها مثل قزاقستان و آذربایجان و قرقیزستان مشکل صدور دارند به علت این که دست تنها نمی توانند بدون این که از خاک دیگر کشورها گاز و نفت خود را عبور بدهند.

**دکتر عساریان نژاد:** جناب آقای دکتر آزادی، ایران در رابطه با انتقال گاز با توجه به این که ترکیه حتی هیچ مرز مشترکی با خزر ندارد توانسته بهترین استفاده را بکند و بهره وری و سود دهی رانصیب خود کند در زمانی که اوپک از نفت به عنوان یک سلاح استفاده کرد توجه کشورهای صنعتی به سوی سایر منابع انرژی چه هسته ای چه آبی، بادی و خورشیدی جلب شد در بعضی از موارد توانسته اند موفقیت هایی را به دست بیاورند و در بعضی ها هم نتوانستند. آمریکا با توجه به این که استخراج نفت را در خلیج فارس داشت آمد خیلی از سرمایه گذاری هایش را در حوزه خزر انجام داد که باز ایران اگر بتواند ارتباط بین خزر و خلیج فارس را انجام بدهد می تواند بهره برداری لازم را از آن بکند.

#### **دکتر آزادی کارشناس ارشد مدیریت بحران:**

اوج استخراج انرژی را در جهان در سال ۲۰۲۰ بیشتر عنوان می کنند این که مهندس احمدی نژاد فرمود سال ۲۰۱۶ به خاطر این که می گویند شاید تغییرات اقتصادی و شرایط جدید تکنولوژی پیش بیاید که درست ۴ سال بخواهد جلو بیاندازد. در مورد عسلویه باید گفت که ما یک حوزه مشترک در جنوب کشور، پارس جنوبی، با کشور قطر داریم که استخراج گاز از عمق ۱۰۵ کیلومتری ساحل را انجام می دهیم. مساله ای که پیش آمد از سال ۱۹۸۱ قطر این کار را شروع کرده با توجه به این که وابستگی به کشورهای ابر قدرت ها دارد، آنها برایش این تکنولوژی را راه انداختند و استفاده می کند. ما به خاطر درگیری در جنگ تحمیلی تا سالیان بعد از جنگ در این

مساله اصلا حرکتی نداشتیم و آنها بهره برداری لازم خودشان را انجام دادند، اما ما به سرعت از آن زمان تا حالا با تاسیس پالایشگاه ها و میدان های گازی خیلی گسترده توانستیم تقریباً این عقب ماندگی را جبران کنیم و بتوانیم انشاءالله منطقه را به صورت جایگاهی برای مانور جمهوری اسلامی در آوریم. موضوع دیگر استفاده از فرصت ها است، ما در نقطه حساس و استراتژیک دنیا قرار گرفته ایم، بخواهیم یا نخواهیم ما در چالش های سیاسی حتما درگیر هستیم و اگر بتوانیم خودمان را به جایگاهی که قابل قبول جمهوری اسلامی مخصوصاً در چشم انداز بیست ساله برسانیم انشاءالله می توانیم از فرصت ها استفاده بکنیم ما در حوزه خزر هنوز مشکلاتی داریم ۵ کشوری در آنجا درگیرند ما درمیان آنها منحصر به فرد هستیم آنها به خاطر مناسبات قومی و اینکه جز کشورهای مشترک المنافع هستند وابستگی های زیادی دارند اتحادیه های دو کشور، سه کشور، تشکیل دادند آذربایجان مشغول بهره برداری است. در سالیان قبل هم به صورت خود محو همیشه از یک حوزه نفتی مشترک البرز که با ما دارد خیلی راحت استفاده می کرد. موضوع دیگر قزاقستان است که از ساحل شمالی به راحتی بهره برداری می کند عملاً از طرف روسیه آنها حمایت می شوند. ما منحصر به فرد هستیم آنجا و بایستی بتوانیم واقعاً یک راه حلی پیدا کنیم و راه حل هایی هم هست، یکی این که دست روی دست بگذاریم ببینیم که چه اتفاقی از جانب آقایان می افتد، راه حل دیگر این است که ما این را به دیوان لاهه بکشانیم و واقعاً به عنوان یک شکایت که آن هم لازمه اش این است که هر ۵ کشور بیابند در این زمینه مشارکت کنند، موارد دیگر که به هر حال هست و واقعا نمی شود از آنها گذشت ناکارآمدی کشورهای منطقه است. اگر از محدوده کشور جمهوری اسلامی برویم بیرون و منطقه را بررسی کنیم ناکارآمدی کشورهای منطقه واضح است. نزدیک به یک قرن است که نفت استخراج می کند ولی هنوز کشورهای منطقه نتوانسته اند هیچ تکنولوژی ایجاد بکنند. بعد از ۶۰ سال ژاپن تمام تکنولوژی آمریکا را در بخش صنعت می آورد و مال خود می کند. به جز کوشی که در این بیست و هفت هشت ساله اخیر بعد از انقلاب اسلامی در زمینه های مختلف که قابل قبول و محسوس است، ناکارآمدی دیگری که خیلی در منطقه محسوس است ناکارآمدی کشورهای منطقه در تولید علم است، شما می بینید تکنولوژی یک خاص است که ما می توانیم آن را بیاموزیم و استفاده کنیم، اما علم یک چیزی است که باید تولید کنیم. در منطقه ما کوشش چندانی برای تولید علم وجود ندارد، عملاً برخی

از آنها به جیره خواری عادت کرده اند. البته غیر از کشور ما که در این ۲۷-۲۸ ساله تلاش خوبی دارد صورت می گیرد دیگر حرکتی در منطقه نیست. مساله دیگری که این منطقه را که می تواند یک کانون قدرت برای کشورهای اسلامی باشد به عنوان یک نقطه ضعف تبدیل کرده عدم یکپارچگی سیاسی در ارتباط با کشورهای منطقه است. در دو سوی یک خلیج می آیند دو اتحادیه تشکیل می دهند یکی شورای همکاری کشورهای خلیج فارس که کشورهای عربی بیشتر در آن عضو هستند و یکی اتحادیه آکو می باشد. این خودش نشان می دهد که هر کدام به نوعی دغدغه هایی دارند که به این شکل نسبت به هم اتحادیه های را تشکیل می دهند و این خودش نشان می دهد منطقه همیشه به خاطر شرایط استراتژیک از طرف ابرقدرت ها مورد هدف است. لذا در این شرایط تنش و بحران، همیشه قرارداریم و نمی توانیم آن حالت یکپارچگی سیاسی را داشته باشیم، بنابراین نداشتن ثبات سیاسی کمک کرده که ما حتی از این اقتصاد قوی و پویایی که در منطقه وجود دارد در راه هایی غیر از راه های اصولی که بتواند ما را به عنوان یک امپراطوری اسلامی در منطقه مطرح کند استفاده کنیم. کشورهای منطقه بخواهند می توانند از این منابع عظیم انرژی استفاده نمایند و همان گونه که می دانید تنها جایی که هنوز ثبات انرژی دارد و ذخایر خیلی خوبی دارد همین منطقه است. ما می توانیم برای ۱۰ سال آینده این پیش بینی را داشته باشیم در صورتی که از یکپارچگی سیاسی بتوانیم استفاد کنیم کشورهای اسلامی را متمرکز در یک جناح کنیم، می توانیم به امید خدا یک قطب امپراطوری اسلامی در منطقه برپا کنیم.

**دکتر عساریان نژاد:** جناب آقای سید اسماعیلی نظر شما چیست؟ آیا می توانیم از مدیریت موفق منابع انرژی در الگوهای منطقه ای استفاده کنیم یا خیر؟

### جناب آقای اسماعیلی کارشناس امور دفاعی:

منطقه آسیای جنوب غربی که ترکیبی که از قومیت ها و نژاد های مختلفی در اینجا حضور دارند از مناطق مهم و کلیدی خاصی تشکیل شده، از جمله اش خاورمیانه هست که نقطه بسیار مهمی است در ژئوپولیتیک جهان و هم چنین خلیج فارس. یکی از این مناطق قفقاز، شمال آفریقا و حوزه مسلمان نشین حاشیه دریای مدیترانه است. این ها مناطقی هست که در منطقه آسیای جنوب غربی وجود دارد و این منطقه با این ترکیب و با این جغرافیا شکل گرفته. آنچه که این بخش از جهان را متمایز از سایر



بخش های جهان قرار می دهد، ذخایر عظیم انرژی است در سال ۲۰۰۶ اینترنتشنال انرژی آژانس بین المللی انرژی آماری داده که در این منطقه حدود ۶۳,۵٪ ذخایر نفتی جهان وجود دارد و هم چنین قدرت های بزرگ گازی جهان از جمله قدرت های اول، دوم، سوم در این منطقه وجود دارد، پس این باز اهمیت این منطقه و متمایز شدنش بسیار به جا هست، از جمله باز مساله ای که این منطقه از جهان را متمایز می کند از سایر مناطق بحران زا و جنگ هایی که در این منطقه از قبل وجود داشته و الان هم وجود دارد.

در حال حاضر در منطقه همواره بی ثباتی هست : بی ثباتی امنیت، بی ثباتی در بحث امنیت در بازارهای بین المللی انرژی، اکتشافاتی که در زمینه های انرژی و نفت انجام می شود و نوع رقابتی که در مصرف سوخت از سایر انواع سوخت ها استفاده می شود، اینها تهدیداتی هست که منطقه و کشورهای دارای انرژی را تهدید می کند. بحث تاثیر مستقیمی که بحران های داخلی می تواند در عرضه انرژی و هم چنین تولید انرژی و بازار انرژی داشته باشد، اینها مسائل تهدید زایی هستند و هم چنین حضور نیروهای خارجی در منطقه با منافعی که این کشورها در این منطقه دارند، باز بحران ها و تهدیداتی هستند که منابع انرژی و منطقه را تهدید می کند. در مدیریت انرژی در سالهای دهه هفتاد یک شوک نفتی در منطقه جهانی ایجاد شد برای کشورهای صنعتی که مصرف کننده انرژی هستند و در مقابله با این بحران کشورهای صنعتی آمدند یک سیاست های راهبردی را پیش گرفتند تحت عنوان امنیت عرضه انرژی، به این ترتیب که می خواستند جلوگیری بکنند از بروز مجدد آن اتفاقات و این که همیشه نفت در دسترس شان باشد و بتوانند نفت و انرژی را به دست بیاورند. در مقابل این سیاست ها کشورهای تولید کننده بعد از چند دهه باز آمدند سیاست مقابله با این سیاست یعنی سیاست تقاضای انرژی یعنی امنیت فروش انرژی را یا نفتشان را با این سیاستها می خواستند در جهان ثابت بکنند و این که همیشه نفتشان مشکلی داشته باشد

**آقای ذی قیمت:** من بر این باورم که در منطقه سازمان اوپک که اکثریت کشورهای این منطقه عضو این سازمان هستند تنها سازمان اقتصادی و مجموعه تولید کننده های انرژی هستند که توانسته اند با همدیگر جمع بشوند و این سازمان اتحادیه اقتصادی را با همدیگر داشته باشند، متاسفانه در سطح منطقه ما هیچ هم گرایی مدیریتی در بحث انرژی نمی بینیم و نداشته اند، در حالا به دلایل مختلفی شاید اعضا

بیشتر به دنبال منافع خودشان هستند تا این که به منافع جمعی فکر بکنند. شاید وجود قدرت های بیگانه در این مجموعه و تحت شعاع بودن منافع آنها و سیاست هایشان باعث شده که این همگرایی ایجاد نشود و بیشتر واگرایی داشته باشند و در هر جایی که لازم باشد تنها سازمان اوپک در چند دهه اخیر توانستند فقط در بحث محدود سازی استخراج یک مقدار و تولید یک مقدار با هم همگرایی داشته باشند ولیکن موفق هم آن چنان نبودند. ما در منطقه جنوب غرب آسیا با ظرفیت های مختلفی که حالا از جمله نفت و گاز و انرژی خورشیدی وجود دارد می توانیم پیمان ها و اتحادیه های مناسبی بین کشورهای اعضا داشته باشیم. هم چنان که در اطراف این منطقه کشورها با هم اتحادیه های منطقه ای بسیار خوبی دارند، مثلاً در شمال شرق این منطقه اتحادیه شانگهای را داریم، در قسمت شرق این منطقه پیمان استارک را داریم و در قسمت جنوب اتحادیه اقیانوسیه هند را داریم و در قسمت غرب اتحادیه آفریقا را داریم که یک اتحادیه قدیمی هست و هم چنین اتحادیه اروپا که خیلی قوی در بحث اقتصاد ظاهر شده اند، متأسفانه در این منطقه ما هیچ اتحادیه ای نداریم به همان دلایلی که عرض کردم شاید به علت این که دیگران بیشتر در اینجا دارای نفوذ هستند، در سیاست های این منطقه و ما اتحادیه ای نداریم و آن اتحادیه اقتصادی که ما تنها در منطقه نزدیک به خودمان داریم و می توانیم از آن به عنوان یک الگو در این زمینه استفاده بکنیم اتحادیه آس، آن هست که در جنوب شرق آسیا است، البته شاخصه هایی دارد و اگر رویش کار بکنیم می توانیم به مدیریت مطلوب انرژی در این منطقه برسیم. این شاخصه ها می تواند عبارت باشد از:

یکی اراده سیاسی مصمم در منطقه را بتوانیم در منطقه ایجاد بکنیم

فضای جغرافیایی ایمنی را و جذابی را در منطقه برای اقتصاد ایجاد بکنیم

اراده سیاسی مصمم و جذاب جهت توسعه حالا در تمام زمینه ها

وجود تعامل و همکاری و هم گرایی بین کشورهای منطقه

تلقی مثبت از اولویت های اقتصادی در شهروندان و نخبگان منطقه

توجه به مزیت های بنیادین در حوزه انرژی و سایر منابع ، منابع کانی و ..

**آقای تمجید کارشناس ارشد مدیریت اطلاعات:** من مایلیم صحبتیم را با پیمان بنولوکس در مورد انرژی آغاز کنم که در حقیقت ۸۰ سال پیش تاسیس شده و الان هم دیگر ماهیت خارجی ندارد. بنولوکس یک قرار داد تجاری بین سه کشور اقتصادی اروپا

بود که به معامله ذغال سنگ یعنی تولید ذغال سنگ و صادرات ذغال سنگ اختصاص داشت این را گفتم که اشتباه نشود

سازمان های موفق بایستی در بحث متنوع سازی مصرف انرژی به هر حال تلاش بکنند و در این منطقه، ما، در مصرف انرژی هیچ گونه تلاشی در متنوع سازی مصرف نداشتیم و در واقع می شود گفت ناموفق بودیم، البته جمهوری اسلامی ایران در دهه اخیر فعالیت هایی داشته که انشاءالله به ثمر برسد، در بحث انرژی هسته ای استفاده از برق به عنوان یک انرژی جایگزین و ذخیره شدنی .

جفری کمپ وقتی خواست بیضی انرژی را ترسیم بکند دقیقاً آن را در منطقه ای قرار داد که ما به آن منطقه آسیای جنوب غربی می گوئیم و مورد بعدی که باز می خواهم اضافه کنم به مطالبی که عزیزان گفتند منطقه آسیای جنوب غربی بر اقتصاد طبیعت محور بر عکس آن چیزی که در جنوب شرقی بر اقتصاد انسان محور هست متکی است و اشاره بکنم ۷۰٪ ذخایر نفت و ۴۰٪ گاز در این منطقه است. یک نکته لازم است که اضافه بکنم این که هزینه استخراج این منطقه به دلیل شرایط طبیعت که اینجا دارد زمین دارد، ۱،۵ تا ۵ دلار است در صورتی که در بقیه کشورها بسیار بالاست و این وحشتناک در آمار می رود بالا به طوری که جالب است خدمتان عرض کنم پیش بینی می شود در سال ۲۰۰۸ ما ۷۵۰ میلیارد دلار در این منطقه فروش نفت و انرژی را کلاً داشته باشیم. حالا بر می گردم به پاسخ عرصه های موفق را که در بهره گیری از انرژی و مدل سازی منطقه ای هست تشریح بکنم. عرض من این است که ما در بحث عرصه های موفق، موفقیت ما در بهره گیری از انرژی را من مرتبط با انرژی هستیم و چند موردش را بیان می کنم. یک مواردی را هم می توانم به این اضافه بکنم که می تواند کمک کننده ما باشد در این استمرار همکاری ها در محور و عرصه انرژی همکاری های کشورهای تولیدکننده و احترام به نظرات کشورهای مصرف کننده بایستی سر فصل همکاری کشورهایی باشد که در منطقه حضور دارند و تامین کننده عمده انرژی هستند که اشاره شد. لذا این همکاری ها می تواند در کشف و پیدایش و استخراج و فروش و مدیریت در انتقال انرژی صورت بگیرد. یکی از محورهای بسیار مهم می تواند همکاری های این کشورهای تولید کننده باشد که به زعم آنها بایستی حتی ملاحظات کشورهای مصرف کننده و حقوق آنها رعایت بشود. در این بحث همکاری یا عرصه و محور دوم را که من پیشنهاد می توانم بکنم این است که همکاری

در بورس جهانی انرژی را بتوانیم در این منطقه پایدار و استوار بکنیم، در این منطقه تشکیل بدهیم که این خلاء وجود دارد که خلاء سازمان همکاری های منطقه ای را در این منطقه داریم. در منطقه آسیای جنوب غربی داریم. همه این مناطق جغرافیایی را اگر نگاه بکنیم سازمان های متفاوتی را از قبیل آ، س، آن، سازمان آفریقا، شانگ های، جی سی سی، کشورهای مشترک المنافع و کشورهای حاشیه خلیج فارس را داریم. حالا این درست است در منطقه ماست ولی بخشی از منطقه ما را می گیرد این منطقه به عنوان یک منطقه عظیم که انرژی و بهینه انرژی در این منطقه هست می تواند یک سازمان همکاری داشته باشد که خط تلاقی تمام همکاری های سازمان منطقه ای را ایفا بکند به اضافه این که قطب های مختلف جغرافیایی را به هم دیگر متصل بکنیم. همکاری بویژه در بحث انرژی است. هزینه زیادی را ترانزیت انرژی تحمیل می کند به مصرف کننده و ما می توانیم یک همکاری بسیار شایانی بین کشورهای منطقه ای داشته باشیم تا بتوانیم یک نمونه موفق را به عنوان مدرن سازی منطقه ای به جهان ارائه بکنیم آخرین مورد همکاری بانکی مالی است، من فکر می کنم کشورهای منطقه متکی بر همکاری تجاری سایر خدمات بانک های جهان هستند که می شود این زمینه ها کشورها با هم بحث های هم کاری را در این عرصه ها به وجود بیاورند. خوب اینها مرتبط با انرژی است مستقیماً به اضافه همکاری زیست محیطی. به هر حال انرژی که از اینجا استخراج می شود امکان آلودگی محیط را برای ما ایجاد می کند، ما می توانیم بخواهیم از کشورها که این بهانه ای باشد که حتی در عرصه زیست محیطی هم همکاری های لازم را با هم داشته باشیم، اگر این همکاری ها با یک مدیریت صحیح شکل بگیرد می تواند هم گرایی کشورها را به عنوان الگوی موفق در جهان معرفی بکند به دلیل شرایطی که حاکم بوده در دوران سیاسی گذشته مردم این منطقه از درک کمتری به لحاظ تحصیلات برخوردارند که اینها می توانند با هم همکاری ها را در این زمینه داشته باشند و همکاری دیگر که باز توصیه می کنم بحث توریسم سیاحتی - زیارتی است که می تواند این همکاری های غیر مرتبط با انرژی به بحث همکاری مرتبط با انرژی کمک بکند. بنابراین در یک کلام جوابم را خلاصه می کنم: که عرصه های موفق در بهره گیری انرژی، مدل سازی در منطقه در محورهای زیست محیطی - همکاری کشورهای تولید کننده مصرف کننده در زمینه پیدایش، استخراج، فروش و مدیریت انتقال انرژی و ترانزیت انرژی، همکاری در بورس جهانی انرژی، تاسیس یک

سازمان همکاری منطقه ای بر مبنای همکاری های انرژی و ترانزیت منطقه ای و همکاری های بانکی و مالی است .

**آقای بوغیری کارشناس ارشد علوم سیاسی:** من می خواهم یک نکته ای را در پاسخ به صحبت های جناب تمجید عرض کنم مبحث هزینه پایین انرژی در خلیج فارس باعث ایجاد مسائل امنیتی در منطقه شده که در هر صورت چون نفت و گاز ارزان هست کشورهای مصرف کننده روی به اینجا می آورند که این می تواند تهدیدی باشد برای ما و هم فرصتی باشد که متأسفانه بیشتر تا به حال تهدید بوده و ما از این فرصت درست استفاده نکرده ایم. اما فکر می کنم در کوتاه مدت همکاری کشورهای تولید کننده در این بیضی نفت یک مقدار با مشکلات عدیده مواجه است که البته این است که ما باید یک استراتژی خاص داشته باشیم و فکر ارزشمندی که بتوانیم به آن آرمان ها و آن آرزوها در منطقه برسیم، اما در کوتاه مدت به نظر من این مقدور و میسر نیست. چرا که کشورهای مصرف کننده باعث شده اند که اختلاف بین کشورهای تولید کننده ایجاد بشود. در خود خلیج فارس بر سر خود نفت و گاز بین عربستان و قطر اختلاف است. بین عربستان و کویت اختلاف است و بین عراق و کویت اختلاف است. که البته ممکن است اختلاف سرزمین را بکشاند به مسائل دیگر. در دریای خزر هم این اختلاف دیده می شود و دید کشورهای آسیای مرکزی از جمله این سه کشوری که جدید مستقل شدند از جمله قزاقستان، آذربایجان، ترکمنستان نسبت به شوروی و ایران دید مناسبی نیست. اینها جزئی از ایران هستند در مباحث ژئوپولیتیکی بیشتر دقت کنیم جزئی از ایران هستند. نمی شود یک تن را در نظر گرفت بدون دست. این تصویری است که من در مطالعاتی که کردم به این نتیجه رسیدم و در یک مدتی هم تحت سیطره شوروی بودند، لذا به ایران و روسیه دید منفی دارند خود این مشکل هست. الان ایران و روسیه در دریای خزر نظر تقریباً نزدیک به هم دارند، گرچه هنوز رژیم حقوقی مناسبی برای دریای خزر تعریف نشده و این خودش مشکل هست. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز نسبت به ایران دید مناسبی ندارند و بحث های سرزمینی که بحث اسرائیل و فلسطین، اسرائیل و سوریه، اسرائیل و لبنان، در کل متأسفانه منطقه مملو از اختلافات است.

در بحث ترانزیت ما با مشکلات مواجه هستیم این هم ناشی از همین مشکلاتی است که در منطقه وجود دارد. منتها همکاری محیط زیست را می شود انجام داد. با

اتخاذ روش مناسبی بیابیم منطقه را در دراز مدت از یک رویکرد میلیتاریستی به یک رویکرد اکونومیستی نگاه کنیم با این دید نگاه کنیم و کشورها، به این دید، فکر می کنیم همگرایی بیشتری دارند البته ایران خوشبختانه نشان داده که می تواند این دید را داشته باشد در قضیه افغانستان، در قضیه عراق، در جنگ کویت و عراق در جنگ عراق و آمریکا. ایران نشان داده که می تواند این مسائل را و هم چنین صنعتی کردن منطقه خلیج فارس و ایجاد پارک صنعتی و ایجاد بنیان های تکنولوژی بهره برداری از این منابع از جمله استخراجشان تصفیه و تبدیل آنها، ما می توانیم امیدوار باشیم با توجه به توانمند یهایی که ایران دارد چه از ابعاد فرهنگی و چه از ابعاد اقتصادی چه از ابعاد سیاسی و ژئوپولیتیکی. می توانیم امید وار باشیم که ایران انشاءالله بتواند این وحدت و این همگرایی را ایجاد بکند و در آن سالی که عرض شد در سال ۱۴۰۴ به قدرت منطقه ای تبدیل بشویم و این خمیر مایه و این استعداد را هم داریم .

**آقای ضمیری کارشناس ارشد منابع:** کشورهای آسیای جنوب غربی، هر کشوری به منظوری دارد انرژی اش را از دست می دهد، یا می فروشد. به هر کشوری که نگاه کنیم یکی برای جنبه اقتصادی است، یکی رژیمش سر سپرده است، یکی جهت تامین امنیتش است ، یکی بحث سودآوری و پول مفت برای خرج در آوردن و پول مفت خرج کردن است . با این تعابیر الان در واقع من فکر می کنم هیچ موفقیتی کسب نشده و هیچ موفقیتی موجود نیست . از این انرژی خدادادی که در منطقه است و این کشورها دارای آن هستند. هم از این منظر و هم این منظر که آن بحثی که گاهی داریم که می گوئیم شیر نفتشان را ببندند. هیچ اختیاری این کشورها ندارند که مثلا این ابزار مهمی بردارد به دست خودش بگیرد، این هم به خاطر مدیریت های مختلفی است که در کشورهای مختلف منطقه وجود دارد و همین انرژی نه تنها باعث موفقیت در این کشورهای دارنده انرژی نشده بلکه تبدیل به آتش زیر خاکستر هر لحظه ممکن است یک بحران بشود هم برای درون کشور و هم برای منطقه. نمونه هایش را هم ما می بینیم عراق الان هیچ سیطره و هیچ تسلط به انرژی اش ندارد. انرژی را دارند مفت می برند. عربستان دارد انرژی اش را می فروشد که خوب خرج کند و خوب زندگی کنند .

جمهوری اسلامی هم جز کشورهایی هست که جهت ایجاد درآمد انرژی اش را می فروشد، نیاز به موادی دارد که از تبدیل این انرژی به دست می آید با فروش انرژی

اجناس را وارد کند و هم بودجه دولت تامین بشود چون تکنولوژی اش را هم الان نداریم. کلیه کشورهای منطقه لازم است از جمله ایران که با دست یابی به تکنولوژی تبدیل این انرژی یک استقلال واقعی پیدا کنند که بتوانند در رویارویی با کشورها اختیار خودشان را داشته باشند. پیمان های منطقه ای الان چون حکومت ها با هم نیستند هیچ وقت نتوانسته موفق باشد. به خاطر واگرایی و تفرقه که بین دولت ها وجود دارد. اگر هر کشور یک تصمیم می گیرد، یا کشور دیگر، ما اسمش رامی گذاریم لچ بازی که به خاطر وابستگی که به آن کشور خارجی و ابرقدرت دارد آن کشور را ضایع هم می کند و راه های دریای پیرامون خلیج فارس شریان هایی هستند که این خون حیاتی از آنها می گذرد. یا سران کشور صنعتی جهان اعلام کرده اند، برابر اعلامی که در خود روزنامه جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۶۹ اعلام شده بود، تا ۵۰ سال آینده خلیج فارس عمق راهبردی غربی می باشد، یا دیوید نیلسون معاون اسبق وزارت خارجه آمریکا اعلام داشته که اگر جهان را دایره ای فرض کنیم و بخواهیم مرکز آن را بیابیم به خوبی می توان توجیه کرد که آن منطقه خلیج فارس است.

**دکتر عصاربان نژاد:** جناب آقای رضایی با توجه به مباحث گفته شده می توانم تقاضا کنم حضرتعالی بفرمایند منابع انرژی منطقه ای چه ظرفیتی از چالش و بحران زایی را دارا می باشد؟

**آقای رضایی کارشناس ارشد مدیریت بحران:** اکنون چند طرح امنیتی در منطقه جاری است یکی طرح امنیتی شورای همکاری خلیج فارس، در سال ۱۹۸۱ کشورهای حاشیه نشین خلیج فارس ۵ کشور با خودشان به قول معروف یک شورای همکاری تشکیل می دهند که خود همین وجود شورا با توجه به تضادهایی که حالا عرض می کنم موجب چالش ها و بحران هایی در منطقه شده است. مثلاً یکی از تضادهایی که در بینشان وجود دارد ارتباط با قدرت های بزرگ است. اصلاً تفاهمی باهم در چگونگی ارتباط با قدرتهای بزرگ ندارند. ساختار سازمانی نیروهای مسلح شان و یا تسلیحات متفاوت بلوک شرقی و غربی آن ها هم موجب شده که همکاری کافی را نداشته باشند. عدم توجه به واقعیت های ژئوپولیتیکی این تضاد را ایجاد کرده، در این طرح و بحث اختلافات مرزی که در بین خودشان علیرغم این که در یک پیمان هستند و جز شورا هستند ولی خوب مشکلاتی را دارند. سیستم امنیتی بعدی بحث طرح امنیتی مورد نظر آمریکاست که در منطقه وجود دارد، منتها خوشبختانه این طرح

امنیتی هم باز یک سری معضلات و ضعف هایی را دارد. یکی نارضایتی مردم منطقه که قریب به ۱۰۰ میلیون ۱۵۰ میلیون جمعیت در همین حوزه منطقه وجود دارد که اکثریت ناراضی هستند از حضور آمریکا و کشورهای فرامنطقه ای. ضعف ناشی از انکار نقش ایران و عراق در حوزه، عدم توانایی در حل اختلافات فی مابین، افزایش تنش و تشنج در روابط کشورهای منطقه، تک بعدی بودن و توجه صرف به جنبه های نظامی و زور و تحمیل هزینه سرسام آور برای خود کشورها. محاسنی که در ایجاد امنیت در منطقه می تواند داشته باشد با توجه به اهمیت و ظرفیت موجود در منطقه. یکی بحث امنیت دسته جمعی است، ایران نظرش این است که مشارکت فعال امنیتی کل کشورهای منطقه می تواند امنیت منطقه را فراهم بکند. بحث بازدارندگی برای توسعه امنیت ملی، بازدارندگی ایجاد می کند که در منطقه یک سری اتحادیه های همکاری فی مابین ایجاد بشود. گسترش همکاری های منطقه ای، ایجاد اعتماد متقابل است که با دیپلماسی هایی که انجام شده خوشبختانه می رسد. مشکلات منطقه با حضور کلیه همسایگان قابل حل است. داشتن منطقه انحصاری اقتصادی، سواحل ایران به قدری است که می تواند یک منطقه انحصاری اقتصادی را در منطقه فراهم بکند و با توجه به توان نظامی و قدرتمندی بالا این مطلب حائز اهمیت است. درگیری های موجود در منطقه چالش ها و بحران هایی را فراهم کرده، بحث فلسطین و اسرائیل، بحث لبنان، بحث سوریه، بحث افغانستان که می شود گفت از ۳۰ سالگی هم گذشته، بحث افغانستان و عراق. فلسطین خودش از ۶۰ سالگی. بحث بحران های قره باغ در منطقه آذربایجان و ارمنستان. در حالی که ما می بینیم سرچشمه هویت سیاسی منطقه بستگی دارد به حل این اختلافات با توجه به اقتصاد طبیعت محور منطقه نیاز به تکنولوژی هست و همین نیاز به تکنولوژی یک سری چالش ها و بحران هایی را حتی در مسائل سیاسی منطقه ایجاد کرده است. بحث بحران زیست محیطی در حوالی دریای خزر در منطقه خلیج فارس با وجود نیروهای فرا منطقه ای با ترانزیت های بین المللی که وجود دارد و در نهایت تقابل به جای تعامل کشورهای منطقه، ما می بینیم به دلیل نا آگاهی های سیاسی بعضی از سران منطقه بحث تقابل های بین خود اهالی خلیج فارس با حاشیه نشین های دریای خزر، بحث اتحادیه ها و پیمان ها و کشورهای مختلف وجود دارد من اجازه می خواهم یک جمع بندی داشته باشم با توجه به ظرفیت های موجود در منطقه در مقابله با این بحران ها و



این تلاش ها خوشبختانه ذخایر عظیم انرژی فسیلی در منطقه وجود دارد که دوستان کاملا اشاره داشتند.

یک پیشنهاد برای خود سند چشم انداز کشور جمهوری اسلامی ایران داشتم در بعد اقتصادی کشورمان با توجه به سند چشم انداز که اعلام نموده در سال ۱۴۰۴ کشور در چه جایگاهی قرار می گیرد به نظر می رسد باید از محوری بودن انرژی قدیم به انرژی های نو رو بیاوریم یعنی انرژی های قدیم در حقیقت همان انرژی های طبیعی است، انرژی های اولیه است ما باید به انرژیهای ثانویه رجوع کنیم، انرژی هایی که از ناقلان انرژی اولیه هستند. مثال می زنم انرژی اولیه را که انرژی فسیلی است. ذغال سنگ و هیدروکربن، ولی خوب انرژی های ثانویه می تواند انرژی الکتریکی باشد انرژی باد استفاده از خورشید و این طور چیزها باشد، و یا اجازه بدهیم حداقل مسیر اقتصادی کشور به سمتی طی بشود که ضمن رعایت الگوهای مصرف توسعه نیز شکل بگیرد. ما در آمار همان چشم انداز را مطالعه می کردم در مصرف انرژی درصد مصرف انرژی کشور برای مصارف خانگی ۳۹٪ است در حالی که برای تولید به خصوص تولیدات ناخالص ملی یا بحث تجارت ۲۱/۵٪ است خوب ما در الگوی مصرف مان باید یک سری مسائل را رعایت کنیم و در نهایت از انرژی مصرف شدنی به سمت انرژی های مواد سوختنی که همان انشاءالله انرژی اتمی خواهد بود سوق پیدا کنیم و نتیجه گیری میکنیم.

**آقای پیرنیا کارشناس ارشد مدیریت بحران:** من مایلیم یک دسته بندی از چالش هایی که در حوزه انرژی هست داشته باشم، چون خیلی مهم است. بزرگ ترین چالش هایی که در منطقه است من به ۷ دسته تقسیم می کنم. یکی این که عمده این کشورها دارای حوزه انرژی هیدروکربنیک هستند ولی بعضی از کشورها که نیستند کشورهایی هستند که موقعیت ژئوپولیتیک فعالی دارند و تا این موقعیت ژئوپولیتیک فعال نشود انتقال انرژی و بهره بری انرژی امکان پذیر نیست و یا جز مزیت های فعال برشمرده نمی شود، به طور مثال ترکیه به واسطه وصل به دریای مدیترانه و شرق اروپا نقش ژئوپولیتیک فعالی دارد و الان دارد نقشش را فعال می کند. تنگه هرمز نقش بسیار فعالی را دارد اگر کشورهایی که براین تنگه تسلط پیدا کنند - هم از نظر امنیتی هم از نظر حقوقی - می توانند بر تمام خروج انرژی در سطح منطقه دست پیدا بکنند. لذا کشورهایی مثل قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان بدون این

کشورها هیچ نقش فعالی ندارد. نکته دیگر این که در این کشورها تفاوت اقتصادی بین کشورهای فقیر و دارا فراوان است ولی از نظر هویتی مشترکند. مثلاً افغانستان نه نفت دارد و نه گاز دارد ولی شما اگر به افغانستان از انرژی خداداد منطقه ای چیزی ندهید همیشه افغانستان به عنوان یک ضایعه امنیتی در منطقه علیه امنیت منطقه ای و امنیت انرژی عمل می کند. نکته دیگر این که اشاره کردم وابستگی کشورها به یک قدرت بیرونی است که همیشه الگوهای بهره برداری از انرژی را رهبری می کند، نکته بعدی تفاوت سطح اختلاف در استخراج، فروش و تولید و مشتق سازی از منابع هیدروکربونیک است، یکی از دلایلی که ما در منطقه دریای خزر هنوز بر موضوع مشاء بودن و یا افزایش سهم تأکید داریم و این که جمهوری اسلامی هنوز در دریای خزر نتوانسته مثل ترکمنستان و آذربایجان و قزاقستان به سفره های نفتی دسترسی پیدا بکند. لذا مادامی که دسترسی پیدا نکرده آنجا حوزه چالش های دفاع امنیتی خواهد بود و اگر جمهوری اسلامی به یک منبع غنی نفتی دسترسی پیدا نکند دیگر آب های دریای خزر ارزش دفاعی امنیتی خودش را از دست می دهد و کاملاً اقتصادی می شود. کشورهایی که در بازار انرژی نقش حاشیه ای دارند و قواعد فروش انرژی و انتقال انرژی را رعایت نمی کنند این ها بحران زایی می کنند در سطح منطقه. مثلاً اگر هر موقع عربستان اراده بکند ۵ میلیون بشکه نفت را آزاد ببرد در دریای آزاد بفروشد قیمت نفت به شدت تحت تأثیر قرار می گیرد و امکان دارد یکی از پالایشگاه هایش یا یکی از پایانه های نفتی اش مورد ضربه قرار بگیرد، من معتقدم که نکته مهمی که در کارکردهای کشورهای منطقه به آن توجه نمی شود این است اگر کشورهای قدرتمند و کشورهای عضو منطقه نسبت به انتقال انرژی شان بی توجه باشند بیست سال دیگر تمام کشورهای اسلامی جز فقیرترین کشورهای دنیا خواهند بود و چیزی از اسلام باقی نخواهد ماند جز یک سری افراد فقیر و تحت ستم که می بایستی به خاطر قوت روزانه خودشان دست گذاری جلوی کفار دراز کنند. پس بهترین رویکرد این است که کارکردی که جمهوری اسلامی در پیش گرفته یعنی دسترسی به تکنولوژی هایی پیچیده و فعال امروزی و آینده که بتواند از استفاده مستقیم از انرژی هیدروکربونیک جلوگیری کند و در عوض بتواند انرژی مورد نیاز مردم کشورهای اسلامی را تأمین بکند. یکی این که واقعاً کشورهای منطقه تک محصولی هستند یعنی نفت اگر قیمتش بالا و پایین برود به شدت روی اقتصاد داخلی شان اثر می گذارد و بحران زایی دارد، یعنی

فرض کنید نفت ایران یا نفت عربستان را کسی نخرد. تحت تحریم قرار بگیرد بلافاصله باعث ایجاد بحران داخلی در آن کشور می شود که یک نمونه اش هم عدم صدور نفت از منطقه باعث بحران در کل جهان می شود، عین دهه شصت قرن قبل که اعراب شیر نفت را بستند و باعث شدند که به شدت قیمت نفت برود بالا. یک مساله نزاع بین اروپا و آمریکا در خصوص دسترسی به منابع است یعنی این نقطه ای است که باعث درگیری بین اروپا و آمریکا و آسیای جنوب شرقی و ژاپن می شود، در خصوص رشد اقتصادی شان یکی از چیزهایی که تأثیر منفی می گذارد در کشورهای فقیر بالا رفتن قیمت نفت در خاورمیانه باعث می شود که سرمایه هایی که صرف عمران می شود مجبور می شوند در هزینه خرید نفت صرف بکنند و اینها تأثیر منفی روی اقتصاد کشورهای جهان سوم می گذارد.

**دکتر عساریان:** جناب آقای سلطانی زمینه ها و حوزه های بروز چالش ذکر شد شما بفرمائید چگونه می توان منابع انرژی را در خدمت هم گرایی منطقه قرار داد؟

**آقای سلطانی کارشناس ارشد امور دفاعی - امنیتی:** منابع انرژی اگر به عنوان یک مزیت فعال بخواهد در سطح منطقه استفاده بشود ضعف ها و کاستی هایی دارد و هم مزایای مثبتی. این مزایای مثبت اگر به خدمت گرفته بشود می توانیم مدل همگرایی منطقه ای ایجاد بکنیم. ما می توانیم در سطح کشورهای منطقه از یک بازار بورس منطقه ای استفاده کنیم ولی نفت را در خدمت فعالیت های مشق سازی قرار بدهیم. کاری که اروپا این روزها امکان اتصال خودش را به منابع هیدروکربونیک روز به روز کم می کند، برای این که از وابستگی اش به سطح کشورهای منطقه جلوگیری بکند. سؤال این است که چگونه می توان منابع انرژی را در خدمت همگرایی منطقه قرار داد؟ خوب در این بحث چند تا کلید واژه هست. یکی منابع انرژی است که منابع انرژی را چگونه باید تعریف بکنیم. یکی همگرایی است که این واژه همگرایی خوب نیاز به بحث دارد و یک هم منطقه است. در چند دهه اخیر واژه همگرایی در متون سیاسی کاربردهای زیادی دارد که بعد از جنگ سرد یعنی بعد از جنگ جهانی دوم و بعد از جنگ سرد، ذخایر عظیم جهان در حال حاضر و تا ۵۰ سال آینده در خلیج فارس است که شامل ۷۰٪ ذخایر نفتی و ۴۰٪ ذخایر گازی است که من خیلی به جزئیات آن نمی پردازم. در بحث واژه همگرایی این واژه تقریباً در متون سیاسی کاربرد زیادی پیدا کرده، در این وضعیت که هست خدمت شما عرض کنم بعد از جنگ جهانی دوم و پس از جنگ

سرد و فروپاشی شوروی ، هدف براین بود که نظام دو قطبی که در جهان وجود دارد تبدیل بشود و سوق داده بشود به نظام تک قطبی. به خاطر همین کشورها نمی خواستند این اتفاق بیفتد و به همین دلیل روی آوردند به همگرایی که این بحث همگرایی در کشورهای اروپایی شما اگر ملاحظه بفرمایید کشورهای اروپایی اتحادیه ای را تشکیل دادند به نام اتحادیه اروپا که حالا مواردی که در این اتحادیه به وجود آمد یکسان کردن پول و مواردی که الان شما شاهدش هستید. خوب در بحث همگرایی مطالب زیادی را می توانیم عنوان بکنیم منتها یکی از تاکتیک ها و استراتژی هایی که می توانیم نام ببریم در سیاست خارجی ایران این است که بتواند این همگرایی را هر چه بیشتر بکند و در چشم انداز بیست ساله عنوان شده که تعامل سازنده . که این تعامل سازنده مبانی مختلفی دارد که یکی اش می تواند تعامل ژئوپولیتیک منطقه باشد. می تواند اثر گذاری بر کشورهای منطقه باشد. خوب در بحث همگرایی منطقه ای موارد مختلف را می توانیم به بحث بگذاریم، با توجه به این وضعیتی که در حال حاضر داریم آن جلساتی که تشکیل شد شما اگر ملاحظه بفرمائید در سال ۱۳۵۳ بحث شورای همکاری خلیج فارس از طرف ایران پیشنهاد و حتی یک جلسه هم برگزار شد ولی عملاً این اتفاق نیفتاد با نفوذی که عراق داشت در آن زمان در روی کشورهای عربی ایستاد و اجازه نداد که این شورا ادامه یابد. در سال ۱۹۸۲ باز همین اتفاق افتاد که بدون حضور ایران جلسات برگزار شد ولی شما اگر ملاحظه بفرمایید در این چند دهه اخیر در همین دولت نهم تلاش براین شد که بتوانند در این جلسات شرکت کنند و با روی باز و انعطاف پذیری که دارند باعث شدند که در این جلسات بتواند ایران حضوری مؤثر داشته باشد و یکی از نکاتی که بحث است و بحران زا هست این است که الان به گفته خود واشنگتن می گوید هرچقدر قیمت نفت بالا برود منطقه بحران زا در خاورمیانه که همین منطقه خلیج فارس است بیشتر می شود. یعنی این نیست که ما فکر بکنیم که تهدید وجود ندارد یعنی هرچقدر افزایش قیمت نفت داشته باشیم در بحران زایی بیشتری هستیم . خوب ما کارهایی که می توانیم بکنیم در حوزه خلیج فارس بیاییم براساس آن موقعیتی که داریم ، مبانی مختلفی را تعریف بکنیم و یا بیاییم پیمان های مختلفی داشته باشیم و در حقیقت بایستی روی پیمان های اقتصادی خودمان که به ظاهر اقتصادی هست ولی در نهایت واژه اصلی امنیت را در پی دارد می توانیم در این کار فعلاً باشیم و بحث دیگری که در این زمینه مطرح می شود این است که ما با امتیاز

دادن نسبی به بعضی از کشورها می توانیم این کشورها را در ارتباط با تعامل خودمان داشته باشیم. معمولاً کشورهایی که ما طرف حساب با آنها هستیم یا متحد ما هستند یا بی طرف هستند، یا تسلط طلبند، یا متحد وابسته به دشمن هستند، یا وابسته به کشور ما هستند، و یا دست نشانده کشور ما هستند. که اگر شما ملاحظه بفرمائید می بینید در این ۷ طبقه بندی که من عرض کردم خدمتان کشورها دقیقاً مشخص می شوند، کشورهایی را که می توانیم به عنوان این که تقریباً در مقابل ما قرار گرفتند با ارتباط و با ایجاد همگرایی منطقه ای در ابتدا و نهایتاً با سیاست خارجی که به عنوان یک تاکتیک و استراتژی تعریف شده استفاده مؤثری در این زمینه داشته باشیم. تعامل سازنده در آسیای میانه، قفقاز، خاور میانه و کشورهای همسایه، به صورت هم زمان ترکیبی از یک مدیریت جامع و مطلوب می تواند باشد. تفکیک روند از مدیریت و بالعکس اگر باشد یعنی اگر ما بیاییم این باور را از مدیریت مان جدا کنیم درحقیقت آمدیم یک مشکلی را هم برای سند چشم انداز خودمان ایجاد کرده ایم. در سند چشم انداز می توانیم تعامل ژئوپولیتیک منطقه ای داشته باشیم که بحث بعدی مناطق را مشخص کنیم. مناطق تعامل پذیر و مناطقی که با ما در تعامل هستند. ایجاد تعامل دوجانبه منطقه ای را می توانیم داشته باشیم که خود همین ایجاد تعامل دو جانبه منطقه ای می تواند تقسیم بشود در منطقه خاورمیانه، منطقه قفقاز، آسیای میانه و کشورهای همسایه. حوزه افغانستان و پاکستان و کشورهای پیرامونی خلیج فارس را نمی توانیم در یک راستا و در یک امتداد ببینیم و با توجه به شرایط موجود و فعلی که در افغانستان موجود است دورنمای تحرکات به شکلی است که تعامل به صورت امنیتی اقتصادی می تواند شکل بگیرد.

**دکتر عساریان نژاد:** از حضور همه عزیزان در میزگرد تشکر می کنم امیدوارم نتیجه این جلسه بتواند کمک مسؤلین در اجرای سند چشم انداز و مدیریت انرژی در سطح منطقه باشد، به گونه ای که بتواند زمینه همگرایی کشورهای عضو را در بحث امنیت انرژی در استخراج، استحصال، فروش و تقویت کشورهای تولید کننده فراهم آورد، (ان شاءالله).



پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرېنډي  
پرتال جامع علوم انساني